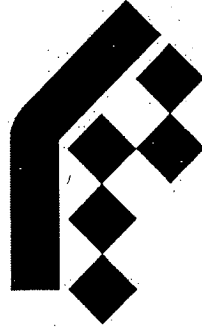


کتابخانه جامع
جامعه العلوم
معاونت پژوهش
مرکز جهانب، علوم اسلامی
۱۳۸۵

جامعة
المصطفی
العالمیة



مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و معارف اسلامی

گرایش اصول و فقه مقارن

صلح و موارد آن نزد فریقین

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین آقای مجید نیسی

استاد مشاور:

حجة الاسلام والمسلمین آقای محمد نقی مجتهدی

طلبه: محمد علی فاضلی

شهریور ۱۳۸۷

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت:

۱۵۸۹

تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

□ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه، به عهده نویسنده می باشد .

□ هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع ، بلاشکال است و نشر آن

در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از جامعه المصطفی ﷺ العالمیه

است .

اهدا و تقدیم

این تحقیق کم ارزش که به یاری خداوند منان و در ظلّ توجهات آقا ولی الله الاعظم امام زمان (عج) و با تلاش فراوان به مرحله پایانی خود نائل گردیده، شایسته است که به عنوان هدیه و تحفه نالایق اولاً به پیشگاه با عظمت مصلح کل، امام زمان (عج) تقدیم کرده آنگاه ثواب آن را به روح طیّب و طاهر مجدد عصر حاضر امام خمینی (ره) و شهدای مظلوم افغانستان بویژه رهبر شهید استاد مزاری (ره) و همچنین به ارواح والدینم به ویژه (مادرم) که در تربیت اینجانب زحمات فراوانی را متحمل گردیده‌اند هدیه می‌کنم، و از خداوند عزّ شأنه تقاضا می‌کنم که آنها را با اولیاء و محبانش محشور بفرماید و ارواح آنها را از ما خوشنود گرداند.

تقدیر و تشکر

﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ (قرآن کریم، سوره قلم، آیه ۱)

«سوگند به قلم، آنچه را با قلم می‌نویسند».

سپاس خداوندی را که ما را به لطف خویش آفرید و توان خواندن و نوشتن به وسیله‌ی قلم آموخت، درود و رحمت خداوند بر کسانی که با جان و دل راه تحصیل در علوم دینی را برای مشتاقان معارف اسلامی هموار ساخت.

همچنین تشکر و قدردانی فراوان از مسئولین محترم جامعه المصطفی العالمیه و ریاست محترم آن و با تشکر از مسئولین مدرسه مبارکه عالی فقه و معارف اسلامی (حجتیه) که با کمال خلوص نیت عرصه‌های پژوهش را برای طلاب فراهم نموده‌اند.

همچنین با تشکر و امتنان از اساتید محترم راهنما و مشاور حضرات حجج الاسلام و المسلمین آقای نیسی و آقای مجتهدی (زید عزّهما) که در تدوین این رساله با کمال خلوص نیت و سعه صدر اینجانب را راهنمایی نموده‌اند.

در پایان از گروه محترم علمی فقه و اصول مقارن و تحصیلات تکمیلی و امور پایان نامه که با این جانب حسن همکاری را نمودند تشکر می‌گردد.

.....	هدا و تقدیم
.....	تقدیر و تشکر
.....	چکیده
.....	فهرست مطالب

طرح تفصیلی پژوهش

.....	مقدمه: ۲
.....	تعریف مسأله ۲
.....	سؤالات تحقیق ۳
.....	الف) سؤال اصلی: ۳
.....	ب) سؤالات فرعی ۳
.....	سابقه و ضرورت انجام تحقیق ۳
.....	فرضیه‌های تحقیق ۴
.....	هدف از تحقیق ۴
.....	جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق ۴
.....	روش تحقیق ۴
.....	روش و ابزار گردآوری اطلاعات ۵
.....	قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی و موضوعی) ۵

فصل اول: ماهیت صلح از منظر فریقین

.....	گفتار اول: تعریف لغوی و اصطلاحی صلح ۷
.....	ب) تعریف صلح در اصطلاح فقهای اسلامی ۱۰
.....	اصطلاح صلح نزد فقهای اهل سنت ۱۱
.....	ج) بررسی واژگان کلیدی دیگر ۱۲
.....	تسالم ۱۲
.....	خيار در لغت: ۱۲
.....	خيار در اصطلاح ۱۳
.....	د) نقد و بررسی اقوال و تعریف مختار ۱۴

- گفتار دوم: استقلالیت عقد صلح ۱۶
- گفتار سوم: ماهیت صلح و تفاوت آن با عقود دیگر ۱۹
- تفاوت بیع با صلح ۱۹
- ۱- تفاوت مفهومی ۱۹
- دلایل تفاوت مفهومی صلح و بیع ۲۰
- ۲- تفاوت در ثبوت ارش ۲۱
- ۳- تفاوت در مجهول و معلوم بودن ۲۲
- ۴- تفاوت در فعلیت و عدم آن ۲۳
- ۵- تفاوت در رعایت رضایت طرفین ۲۴
- ۶- تفاوت در احکام و شرایط ۲۴
- ۷- تفاوت صلح با عاریه ۲۵
- ۱- بطلان عاریه با زوال سلطنت ۲۶
- ۲- امانت بودن مال مستعاره ۲۶
- ۳- عدم لزوم عاریه ۲۶
- تفاوت صلح با هبه ۲۷
- ۱- هبه تملیک مجانی است نه در مقابل عوض ۲۷
- ۲- شرطیت قبض در هبه ۲۷
- ۳- هبه عقد جائز است نه لازم ۲۷
- ۴- عدم لزوم در هبه به غیر بستگان ۲۸
- ۵- عدم اختصاص ایجاب هبه به لفظ خاص ۲۸
- ۶- عین بودن موهوب ۲۸
- ۷- بطلان هبه با موت و اهب و پیش از قبض متهب ۲۹
- تفاوت صلح با ابراء ۲۹
- ۱- صلح عقد لازم است و ابراء ایقاع ۳۰
- ۲- عدم فضولیت در ابراء ۳۱
- تفاوت صلح با اجاره ۳۱
- ۱- مشخص بودن مال مورد اجاره ۳۱

- ۲- معلوم بودن مال مورد اجاره با مشاهده و ذکر اوصاف ۳۲
- ۳- عدم صحت اجاره اموالی که استفاده از آنها منجر به از بین رفتن می شود ۳۲
- ۴- صیغه خاص در اجاره ۳۳
- خلاصه فصل اول ۳۵

فصل دوم:

اقوال و ادله فقهای شیعه و سنی درباره مشروعیت و عدم مشروعیت صلح

- گفتار اول: اقوال فقهای شیعه ۳۷
- بررسی اقوال فقهای شیعه ۳۸
- ۱- مشروعیت اصل صلح ۳۸
- ۲- مسبوق بودن صلح به نزاع ۳۹
- ۳- اصل اولی در راه جمع بین اقوال ۴۰
- اقوال علمای اهل سنت ۴۱
- بررسی اقوال فقهای اهل سنت ۴۳
- ۱- جواز صلح: ۴۳
- ۲- شروط صلح ۴۳
- ۳- اقسام صلح ۴۵
- گفتار دوم: ادله صلح در قرآن کریم ۴۷
- ۱- مفسران شیعه ۴۷
- ۲- مفسران اهل سنت ۵۶
- گفتار سوم: جایگاه صلح در روایات ۶۴
- الف) صلح در منابع روایی امامیه ۶۴
- ۱- صلح صدقه‌ای ماندگار ۶۴
- ۲- جواز مصرف مال امام (ع) در راه برقراری صلح ۶۵
- ۳- صلح، یکی از موارد مجاز دورغ گفتن ۶۵
- ۴- اعتبار نداشتن قسم در اصلاح نکردن ۶۷
- ۵- ثواب فراوان ۶۷

- ۶- عقوبت بی توجهی به صلح میان مسلمانان ۶۸
- ب) صلح در منابع روایی اهل سنت ۶۸
- خلاصه و نتیجه فصل دوم: ۷۲

فصل سوم: شرایط و احکام صلح نزد فریقین

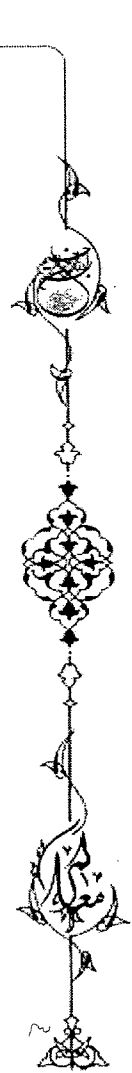
- گفتار اول: شرایط و احکام صحت صلح نزد فریقین ۷۴
- الف) شرایط صحت صلح نزد فقهای شیعه ۷۴
- ۱- عدم اعتبار صیغه‌ای خاص در عقد صلح ۷۴
- ۲- اهلیت تصرف ۷۵
- ۳- موجودیت و مشروعیت مصالح عنه و علیه ۷۶
- احکام صحت عقد صلح ۷۷
- ب) شرایط و احکام صحت صلح نزد فقهای اهل سنت ۸۲
- شرایط صلح: ۸۲
- ۱- اقسام شرایط و ارکان صلح: ۸۲
- ۲- شرایط صلح کننده ۸۳
- ۳- شرایط مصالح علیه ۸۳
- ۴- شرایط مصالح عنه ۸۴
- احکام صلح نزد فقهای چهار گانه اهل سنت ۸۵
- ۱- مذهب مالکی ۸۵
- ۲- مذهب حنفی ۸۷
- ۳- مذهب حنبلی ۸۹
- ۳- مذهب شافعی ۹۱
- گفتار دوم: لزوم و عدم لزوم عقد صلح نزد فریقین ۹۴
- الف) آراء و نظریات فقها و اندیشمندان شیعه ۹۴
- ب) آراء و نظریات فقها و اندیشمندان اهل سنت ۹۵
- گفتار سوم: ثبوت و عدم ثبوت ربا در عقد صلح نزد فریقین ۹۸
- الف) نظریات و دیدگاه‌های علمای شیعه ۹۸

- ۱۰۱..... (ب) نظریات و دیدگاه‌های علما و دانشمندان اهل سنت
- ۱۰۳..... نتیجه و خلاصه فصل سوم:

فصل چهارم: موارد کاربرد و اقسام صلح نزد فریقین

- ۱۰۵..... گفتار اول: موارد کاربرد صلح در قرآن کریم
- ۱۰۶..... ۱- صلح در امور خانواده
- ۱۰۷..... ۲- صلح در معاملات و تجارت
- ۱۰۸..... ۳- صلح در امور نظامی و جنگ
- ۱۰۸..... ۴- صلح در امور اخلاقی
- ۱۰۹..... ۵- صلح در مسائل و حقوق بین المللی
- ۱۱۱..... گفتار دوم: اقسام صلح
- ۱۱۱..... الف) اقسام صلح از حیث جواز و عدم جواز
- ۱۱۱..... ۱- جواز صلح با اقرار و انکار مدعی علیه
- ۱۱۴..... ۲- جواز صلح ابتدایی
- ۱۱۴..... الف) نظریه علمای اهل سنت در صلح ابتدایی
- ۱۱۴..... (ب) جواب علمای امامیه بر این نظریه
- ۱۱۵..... ۳- صلح بر بهره‌وری تنها
- ۱۱۶..... ۴- صلح دین در مقابل دین
- ۱۱۶..... ۵- صلح دو شریک در سرمایه و سود و زیان
- ۱۱۶..... (ب) اقسام صلح از حیث متعلق
- ۱۱۹..... نتیجه و خلاصه فصل چهارم
- ۱۲۰..... نتیجه‌گیری نهایی
- ۱۲۵..... فهرست منابع و مأخذ

طرح تفصیلی پژوهش



مقدمه:

در یک نگاه کلی تمامی احکام اسلام مترقی بوده و برای برطرف کردن چالشهای زندگی دنیوی و اخروی انسان بیان گردیده‌اند و ملاک تشخیص احکام الهی از طریق منابع معتبر: کتاب، سنت، عقل و اجماع به دست می‌آید و صلحی که ما در صدد تحقیق و ارزیابی موارد آن نزد فریقین هستیم، یکی از آن احکام مترقی اسلام و با کاربرد بسیار وسیعی که جهت رفع نزاع و چالشهای مالی، تجاری، رابطه اجتماعی، اخلاقی، بین المللی و امور نظامی از جانب شارع مقدس جعل و بیان گردیده است و ثمرات و برکات صلح در صدر اسلام چنان نمایان بود که خداوند در بعض موارد او را به فتح المبین (پیروزی عظیم) یاد کرده و نیز طبق بعضی از روایات آن پیروزی عظیمی که از صلح حدیبیه حاصل شد، نزد پیامبر اسلام (ص) محبوب‌تر از تمام جهان یاد شده است. همچنین صلح امام حسن مجتبی (ع) اسلام را بعد از پیامبر (ص) از دست طاغوتیان و باغیان دمشق (شام) نجات داد.

نوع تحقیق (بر اساس تعاریف ذیل): بنیادی و کاربردی بوده که در بررسی و اثبات صلح یا اصل اساسی در علم و گسترش عرصه‌های دانش صورت می‌گیرد.

کاربردی: پژوهش‌های هستند که به منظور فراهم ساختن زمینه‌های علمی لازم که با بکارگیری اصول و فرضیه‌های اساسی در یک زمینه و هدف خاص، برای حل مسایل و آتی و یا با هدف کسب دانش جدید با کاربرد ویژه صورت می‌پذیرد.

موضوع تحقیق فقهی بوده و از تفسیر و تاریخ در راستای برداشت فقهی نیز استفاده شده است.

تعریف مسأله

صلح در لغت به معنای رضایت و آشتی، از باب صالح یصالح مصالحه و اسم مصدر می‌باشد، ولی در اصطلاح شرع عقدی است که برای از بین بردن تنازع و مخاصمه جعل گردیده است با تفصیل و شرایط خاص خودش و در میان فقهای مسلمین در حقیقت صلحی که مسبوق به نزاع باشد اتفاقی و متفق علیه است ولی جریان صلح در ابواب دیگر یعنی صلح ابتدایی و... اختلافی است.

سوالات تحقیق

الف) سؤال اصلی:

صلح و موارد آن نزد فریقین چیست؟

ب) سوالات فرعی

۱- ماهیت صلح چیست؟

۲- صلح عقد مستقل است یا تابع عقود دیگر به چه دلیل؟

۳- در صورت استقلال، فرق آن با معاوضات مانند بیع، عاریه، هبه، ابراء و اجاره چیست؟

۴- مشروعیت و عدم مشروعیت آن نزد علما و فقها فریقین کدام است؟

۵- ادله صلح در تفاسیر آیات الاحکام و منابع روایی فریقین چیست؟

۶- شرایط و احکام صلح نزد فریقین چیست؟

۷- لزوم و عدم لزوم صلح نزد فریقین چیست؟

۸- ثبوت و عدم ثبوت ربا نزد فریقین چگونه است؟

۹- موارد کاربرد عملی صلح در قرآن و تفاسیر آیات الاحکام فریقین چیست؟

۱۰- اقسام صلح نزد فریقین چیست؟

سابقه و ضرورت انجام تحقیق

موضوع صلح و موارد آن در فقه فریقین تا به حال به صورت مقارن و مستقل بحث و تحقیق نشده است، ولی در ادوار و ابواب فقه شیعه و سنی به نحوی از انحاء به آن اشاره گردیده است. به نظر می‌رسد با توجه به نیاز و احتیاج جامعه اسلامی و گسترش مصادیق آن در امور معاملات و قضاوت و تجارت، اخلاق، رابطه اجتماعی، بین المللی و نظامی و... و بررسی موضوع صلح به صورت مقارن از اهمیت ویژه برخوردار بوده و پاسخ گفتن صریح و مستدل از جانب فقهای فریقین مخصوصاً در مسایل مستحدثه اصلاً بحث نشده مورد انتظار است.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- مشروعیت صلح نزد فقهای فریقین و در کتاب و سنت ثابت است.
- ۲- صلح بنا بر مشهور فقها نیاز به صیغه خاص ندارد.
- ۳- ماهیت صلح از دیدگاه فقهای شیعه با عقود دیگر متفاوت است.
- ۴- مشهور فقهای فریقین صلح را از عقود لازمه می‌دانند.
- ۵- موارد صلح بر عین، منفعت، حق، دین و صلح قهزی، مؤجل و معجل تحقق پیدا می‌کند.
- ۶- در صلح خیار مجلس، حیوان، تأخیر جریان ندارد.
- ۷- عقد صلح مخالف کتاب الله و سنت مانند حلالی را حرام و بر عکس باطل است.

هدف از تحقیق

- ۱- تهیه روش و ساختار جدیدی از صلح و موارد آن
- ۲- تحقیق و بررسی موارد جدید و پاسخگویی به نیاز مناطق شیعه و سنی.
- ۳- بررسی و تنظیم علمی و استدلالی.
- ۴- اثبات، تقویت و برتری فقه شیعه بر فقه سنی.
- ۵- فراهم نمودن زمینه و عرصه تحقیق و بررسی برای کسانی دیگر در موضوع صلح و موارد

آن.

جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق

توجه همزمان به فقه فریقین در مورد صلح، ارائه مقارنه‌ی علمی و استدلالی و به دور از تعصبات و خودمحموری و بررسی آن در نهاد حکومت و مصادیق احوال شخصیه و تدوین چنین موضوعی کاملاً جدید و ابتکاری به نظر می‌رسد.

روش تحقیق

توصیفی- تحلیلی بوده و ما در این تحقیق به دنبال موارد فقهی صلح در کتب فقهی، روایی و اخصاً قرآن کریم نزد فریقین بوده و با بررسی و ارزیابی ادله و در صدد اثبات فرضیه‌ی مورد نظر خواهیم بود. صلح را به طور دقیق در لغت، قرآن، اصطلاح فقها مذاهب معنا و توصیف کردیم و حدود آن را مشخص نمودیم

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

کتابخانه‌ای بوده به گونه‌ای که ابتدا فیش برداری شده، آنگاه طبق طرح مصوب تنظیم فصول گردیده و از کتابخانه‌های مهم و معتبر استفاده گردیده است.

قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی و موضوعی)

قلمرو تحقیق درباره موضوع و ماهیت صلح و موارد آن نزد فریقین بوده و مختص به زمان، مکان خاص نخواهد بود و قابل استفاده و ارائه در تمامی ساحات و مکانهای دیگر ضروری و بدیهی به نظر می‌رسد.





فصل اول: ماهیت صلح از منظر فریقین

گفتار اول: تعریف لغوی و اصطلاحی صلح

گفتار دوم: استقلالیت عقد صلح

گفتار سوم: ماهیت صلح و تفاوت آن با عقود دیگر

گفتار اول: تعریف لغوی و اصطلاحی صلح

تحقیق حاضر در ابتدا اصل و ریشه واژه «صلح» را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد؛ تا معنا و مفهوم آن را از نظر لغت روشن و مشخص سازد که آیا واژه «صلح» به معنای مصدر است یا اسم مصدر؟

۱- واژه صلح سه حرفی است. کلمه «صلح» با ضم صاد، اسم مصدر بوده از باب صلح یُصلح مُصلحاً، و معنای فارسی آن رضایت، آشتی و سازش کردن می‌باشد.

۲- در کتاب العین آمده است:

«و الصلح: تصالح القوم بينهم»^۱.

«صلح به معنای رضایت و آشتی کردن عده‌ای از مردم که در امور اختلافی خود انجام می‌دهند». می‌گویند: «رجلٌ صلحٌ فی نفسه و مصالحٌ فی اعماله و اموره».

واژه صلح در مقایس اللغة:

«الصلح: الصاد، و اللام و الحاء اصل واحد، يدلّ علی خلاف الفساد»^۲.

«واژه صلح سه حرفی است (صاد، لام و حاء) ریشه واحدی داشته، و (صلح) مقابل فساد و تباهی دلالت می‌کند».

۳- واژه صلح در معجم الوسیط:

«و الصلح: انهاء الخصومة و انهاء حالة الحرب و... السلم». کلمه صلح به معنای مصدر آمده «و

قد یوصف بالمصدر فیقال: هو صلحٌ لی»^۳.

«واژه «صلح» به معنای پایان دادن به خصومت، دشمنی، جنگ آمده است و گاهی توصیف به مصدر می‌شود و گفته می‌شود: آن سازش و آشتی دادن برای من است و آنها با ما صلح و سازش دارند».

^۱ - خلیل الفراهیدی، عبدالرحمن، کتاب العین، بیروت، مؤسسة اعلمی، ۱۴۰۸ هـ.ق. ج ۳، ص ۱۱۷. نظیر این تعریف در تهذیب اللغة نیز

آمده است: الازهری، ابو منصور محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۰ هـ.ق ج ۲، ص ۴۲.

^۲ - زکریا، رازی، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۰۳.

^۳ - جمعی از نویسندگان، المعجم الوسیط، (استانبول، المکتبه الاسلامیه) ج ۲- ۱.

۴- تعریف اقرب الموارد:

«الصلح: بالضم، السلم وهو اسم من المصالحة. مذكرٌ ومؤنثٌ يقولون وقع الصلح و وقعت الصلح».^۱
«صلح به معنای «سلم و سازش» آمده است و آن اسم مصدر است از مصالحه که مصدر است و تذکیر و تأنیث آن یکسان می‌آید مانند این جمله: «وقع الصلح و وقعت الصلح».

۵- معنی لغوی صلح در مجمع البحرین:

«الصلح: بالضم لغةً خلاف فسد. و صلح یصلح بفتحین لغةً ثالثة، فهو صلح و فيه أيضاً اجعل اول نهاری صلاحاً و اوسطه نجاحاً و آخره فلاحاً ای صلاحاً فی دیننا بأن یدصر متاً ما نخرط به فی الصالحین واجعل خاتمه أمرنا بالفوز و...»^۲

«صلح با ضمّ صاد که اسم مصدر است در لغت به معنای مقابل و مخالف مفسده و تباهی است و «صَلَحَ یَصْلِحُ» با فتحه عین الفعل ماضی و مضارعش از نظر لغوی لغت سوم است، پس اسم فاعلش «صالح» است. و در دعای شریفه آمده است که: (خدایا) اول روزم را خیر و صلاح و وسطش را پیروزی و آخرش را رستگاری قرار بده؛ یعنی یک نوع اصلاح در دین ما به گونه‌ای که از ما عملی صادر شود که باعث ورود ما در زمرة صالحان گردد و نهایت امر و کار ما رستگاری باشد».

۶- در مصباح المنیر آمده است:

«وأصلحته «فصلح» و «اصلح»، أتى بالصلاح و هو الخیر والصواب و فی الامر مصلحة ای خیرٌ و الجمع «المصالح» و «صالحه صلاحاً» من باب قاتل و «صلح» اسمٌ منه و هو التوفیق و منه صلح الحدیبیه و «اصلحتُ بین القوم، و ققتُ و «تصلح» القوم»^۳

^۱ - الخوری الشرتونی، سعید، الاقرب الموارد (قم، کتابخانه النجفی المرعشی، ۱۴۰۳ هـ.ق)، ص ۶۷۵.

^۲ - فخر الدین، طریحی، مجمع البحرین، (بیروت، مؤسسة وفا، ۱۴۰۳) ج ۲، ص ۲، ج ۲، ص ۳۸۶. در قاموس المحيط چنین آمده است صَلَحَ كَمَنَعَ و كرم و هو صلح بالكسر، و صلح و صلح و اصلحه ضد افسده و الیه احسن و صلح بالضم: السليم، و يؤنث اسم جماعة و صلحه مصالحةً و صلاحاً و اصطلاحاً، و صلحا و تصلحا، و اصطلاحاً و صلاح كقطام و قد یصرف: مكة و المصلحة: واحدة المصالح و استصلح تقيض استفسده و... (فیروز آبادی، مجد الدین محمد یعقوب، قاموس المحيط، ج ۱، ص ۱۲۳).

^۳ - المقرئ الفیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، (قم، دارالهجره، ۱۴۰۵ هـ.ق)، ج ۲ - ۱، ص ۳۴۵. «و اصلاح: تقيض الافساد. والمصلحة: الصلاح. والمصلحة واحدة المصالح. والاستصلاح: تقيض الاستفساد. واصلح الشيء بعد فساد. واصلح الذبابة، احسن اليها فصلحت. واصلح، تصلح القوم بينهم. واصلح: السلم. وقد اصطلحو واصلحوا وان صلحوا و تصلحوا اصلحوا مشددة الصاد، قلبوا التاء صاداً و ادغموها في الصاد بمعنى واحد. و قومٌ صلحو، متصالحون، كأنهم وصفوا بالمصدر واصلح، بكسر الصاد، مصدر المصالحة. و الاسم الصلح» (ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ هـ.ق)، ج ۲.

در مصباح المنیر آمده است که: واژه «اصلحته» اراده طلب اصلاح کردم آنگاه آن چیز همه اصلاح و ترمیم شد. اصلح: یعنی خیر و صلاح و صواب آورد. و می‌گویند: فی الامر مصلحة یعنی در این امر خیر و صلاح است و جمع آن «مصلح» آمده است. و اگر «صالحه صلاحاً» آید معنای سازش دادن را می‌رساند و اسم مصدر آن به معنای وفاق و توفیق بوده از همان معنا صلح حدیبیه آمده که معاهده بسیار معروفی است میان پیامبر (ص) و کفار قریش منعقد گردیده است؛ یعنی آن معاهده و پیمان از همین صلح اسم مصدر بوده به معنای توفیق و توافق است، و «اصلحت بین القوم، وقتاً و اتصالاً» القوم» میان گروهی صلح و سازش دادم و آن قوم سازش کردند.

۷- و نیز در صحاح اللغة، «صلاح» مصلحت مخالف مفسده و تباهی معنی شده است. عبارت صحاح اللغة چنین است:

«الصلاح: ضد الفساد تقول صلح الشيء يصلح صلوحاً مثل دخل يدخل دخولاً، والصلاح بكسر الصاد: المصالحة والاسم الصلح، يذكر ويؤنث وقد اصطلحا وتصالحا وصلحاً ايضاً مشددة الصاد و صلاح مثل قطام: اسم مکه، و اصلاح نقيض الافساد والمصلحة واحده المصالح. والاستصلاح: نقيض الاستفساد»^۱

«صلاح به معنی مصلحت، مخالف مفسده است و می‌گویند آن چیزی اصلاح و ترمیم شد و فعل مضارعش نیز به معنای ترمیم آمده است و صلاح با کسر صاد؛ یعنی فاء الفعل، به معنای مصلحه و مصدر می‌باشد و اسم مصدرش به معنای صلح و آشتی می‌آید گاهی مصدرش اصطلاحاً و تصالحو وصلحاً مشدد الصاد می‌آید و... و اصلاح مخالف مفسده و تباه شدن است و مصلحت واحدش مصالح است و نیز واژه استصلاح ضد و مخالف طلب مفسده کردن و تباهی آمده است».

در نتیجه می‌توان گفت: تعاریفی که از سوی لغویین درباره صلح ارائه شده همه‌شان به یک معنا بر می‌گردد و آن عبارت است از: برقرار کردن آشتی و سازش در میان اختلاف کنندگان، که گاهی توسط آن، رضایت طرفین نیز حاصل می‌گردد و فساد و تباهی از بین می‌رود؛ به خصوصت‌ها، دشمنی‌ها، جنگ‌ها و خونریزی‌ها پایان داده می‌شود. و معنای اسم مصدری آن غالبی است و با قرینه می‌توان به معنای مصدر بودن دست یافت.

نکته مهم و قابل توجه این است که صلح گرچه لغت عربی است، ولی در ادبیات فارسی همان معنای عربی از آن به دست می‌آید. در فرهنگ دهخدا در تعریف صلح آمده: صلح: آشتی و گفته می‌شود: صلح طلب یعنی؛ آشتی خواه، جوینده صلح، طلبنده صلح، آرام جوی.^۲

۱- جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، چاپ گویا ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۸۳

۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، ج ۳۱، ص ۳۰۶.

و نیز آمده: صلح: با ضم صاد عربی است به معنای سازش، آشتی.^۱
پس صلح در ادبیات عربی و فرهنگ فارسی دو معنای متفاوت از هم ندارد و وقتی که واژه صلح در اصطلاح فقهی به کار گرفته می‌شود، پر واضح است که معنای دقیق و فنی آن مقصود است. اکنون شایسته است به بررسی معنای اصطلاحی صلح نزد فقهای فریقین بپردازیم:

ب) تعریف صلح در اصطلاح فقهای اسلامی

صلح در اصطلاح علما و اندیشمندان فقهی به عنوان یک عقد همانند عقود دیگر از قبیل: بیع، اجاره، رهن، هبه‌ی معوضه و... بیان شده و در این راستا معنی لغوی آن که همان تسالم، توافق و رضایت طرفین دعوا است، نیز از نظر دور نمانده است. در ذیل به کلمات برخی از علما و اندیشمندان اشاره می‌شود:

«الصلح و هو التسالم و التراضی علی أمر من تمليك عین أو منفعة أو اسقاط دین أو حق و غیر ذلك ولا یشرط بكونه مسبقاً بالنزاع و یجوز ایقاعه علی کل أمر إلا ما استثنی و فی کلّ مقام الا اذا كان محرماً لحلال أو محلاً لحرام»^۲

«صلح عبارت است از تراضی و سازش بر امری، نظیر:

الف) تملیک و تحویل عینی؛ ب) منفعتی؛ ج) یا اسقاط و از بین بردن دین و بدهی؛ د) یا اسقاط و از بین بردن حقی از حقوق و مانند آنها.

در صلح شرط نیست که قبل از انجام آن بر سر آن ملک یا حق و منفعت، نزاع و کشمکش واقع شده باشد و جائز است بر سر هر چیزی مصالحه واقع شود مگر چیزهایی که استثنا شده است و نیز در هر مقامی جائز است مگر این که حلالی را حرام و یا حرامی را حلال نماید».

صلح آن است که انسان با دیگری توافق کند که مقداری از مال یا سود مال خود را، ملک او کند یا از طلب یا حق خود بگذرد تا او هم مقداری از مال یا سود مال خود را به او واگذار نماید، یا از طلب و یا از حق خود بگذرد بلکه اگر بدون آن که عوض بگیرد، مقداری از مال یا منفعت مال خود را به کسی واگذار نماید یا به عنوان صلح از طلب یا حق خود بگذرد و طرف هم قبول کند، «صلح» صحیح است.

۱- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، لغت صلح.

۲- الموسوی الخمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۱۳؛ جزائری مروّج، سید محمد جعفر، هدی الطالب الی شرح المکاسب، (قم) دار الکتب جزائری، ج ۱، ص ۲۳۳؛ فضل الله، سید محمد حسین، احکام شریعت، (تهران، سفیر دانش، ج اول) بخش معاملات؛ منتظری، حسین علی، رساله توضیح المسائل، (قم، نشر تفکر)، ص ۳۷۴.